

خوانش شهروندان از نقض قانون توسط نخبگان: مطالعه موردی حضور دولتمردان در شبکه اجتماعی فیس‌بوک

ابوتراب طالبی^۱، آذر نجف‌پور^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی خوانش شهروندان از عملکرد نخبگان سیاسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و بدست آوردن دانشی درباره تأثیر آن بر رفتار اجتماعی شهروندان است. این تحقیق با رویکرد پژوهش کیفی و روش «نظریه مبنایی» انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه با ۲۵ نفر زن و مرد از گروه‌های سنی و گرایش‌های سیاسی متفاوت با روش نمونه‌گیری نظری و استفاده از اسناد دست دوم (کامنت‌های صفحه فیس‌بوک آقای ظریف) بدست آمده‌اند. بر اساس یافته‌ها مقاومت در برابر قوانینی که آزادی‌های اولیه انسان‌ها را نقض می‌کنند، مقوله محوری و نقض قانون توسط قانون (تناقض قانونی)، قانون‌مداری، اصلاح قانون، رضایت‌مندی، افزایش اعتماد، افزایش مشارکت سیاسی از پیامدها و دستاوردهای خوانش شهروندان است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، قانون‌گریزی، نخبگان سیاسی، مشارکت سیاسی، فیس‌بوک، دولتمردان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۰۶

tatalebi@yahoo.com

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان دانشگاه علامه طباطبائی.

najafpoorazar@gmail.com

❖ مقدمه

در جامعه‌ای قانون‌مند، مخاطبان قانون، فقط مردم نیستند. رابطه افراد عادی و قانون یک بعد از جامعه ضابطه‌مند و به تعبیر بهتر بعد کم اهمیت آن است. بعد اصلی چنین جامعه‌ای، قانون‌مداری و رعایت مقررات و قوانین از سوی دولت‌ها، ارگان‌های دولتی، گروه‌های ذی‌نفع و به‌طور کلی حکومت‌گران است. اگر ارکان حکومتی مقید به قانون نباشند، قانون‌مند کردن شهروندان غیرممکن خواهد بود. بنابراین اگر فعالیت مسئولان ضابطه‌مند باشد، رفتار و کردار شهروندان نیز قانون‌مند می‌شود و فرهنگ قانون‌گرایی به تدریج در ضمیر مردم نقش می‌بندد و به اصطلاح نهادینه می‌شود. بنابراین محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است و قانون‌گریزی روی دیگر استبداد است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

این موضوع در مورد حوزه رسانه‌ها نیز صدق می‌کند. امروزه حوزه و جریان ارتباطات ابعاد تازه‌ای یافته است. شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱، جهان جدیدی از روابط اجتماعی را به وجود آورده‌اند. این، جهانی است که انسان خود را از قید زمان و مکان رها کرده و احساس آزادی می‌کند. جهان بدون مرزی که رو به گسترش است و همگان به گونه‌ای آزادند در آن سکنی گزینند. شهروندان اینجا، خود را به هر شکل و شمایل که خود می‌پسندند یا گمان می‌کنند مورد پسند دیگران واقع می‌شود، به نمایش می‌گذارند. این شبکه‌ها از سویی به واسطه قابلیت‌های نوآورانه و منحصر به فرد مورد اقبال اصحاب ارتباطات و جوانان نوگرا قرار گرفته و از سوی دیگر به واسطه نهادهای دولتی بابت فرصت‌های ناشی از همان ظرفیت‌های بالقوه در شرایط خاصی همچون انتخابات ۱۳۸۸ به لحاظ قانونی ممنوع شده‌اند.

با وجود ممنوعیت‌های موجود، فعالیت برخی نخبگان سیاسی از جمله آقای محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه دولت یازدهم در فیس‌بوک و توییتر از مصادیق نقض مقرراتی است که بر اساس آن شهروندان از فعالیت در برخی شبکه‌های مجازی نهی شده‌اند. بنابراین این سؤال به وجود می‌آید که فهم و خوانش شهروندان از نقض قانون^۲ توسط نخبگان چگونه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد نقض قانون در این حوزه به‌ویژه توسط نخبگان مسئله پنهان و در عین حال عمومی است این در شرایطی است که انتظار عمومی، پابندی بیشتر نخبگان به قانون است. یکی از

^۱. Social network

^۲. Rule

پیامدهای چنین قانون‌گریزی‌هایی احساس فریب‌خوردگی توسط توده‌ای است که قانون را رعایت کرده‌اند.

پرسش این است که عکس‌العمل افراد و پیامد این احساس چه خواهد بود؟ آیا خوانش شهروندان از آن منجر به هنجار شدن نقض هنجار قانونی خواهد شد؟ آیا این امر بر میزان مشارکت سیاسی کاربران شبکه اجتماعی مجازی فیس‌بوک و رعایت‌کنندگان قانون تأثیری خواهد داشت؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که قصد داریم در این مقاله بدان‌ها پاسخ بدهیم.

در این مقاله درباره پدیده نوظهوری در ایران است، که عملکرد نخبگان سیاسی دولت یازدهم مانند دکتر جواد ظریف در شبکه‌های اجتماعی مجازی آن را آشکار کرده است: علنی کردن استفاده از رسانه‌های ممنوع و تسلیم گزارش عملکرد توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی به ویژه فیس‌بوک و دستیابی به بازخوردها از طریق گذاشتن کامنت (نظر) توسط کاربران. هدف این پژوهش دست یافتن به بینشی است که از خلال آن بتوان درک، دریافت و کنشگری شهروندان در ارتباط با مسئله نقض مقررات توسط نخبگان سیاسی را بررسی کند.

پیشینه پژوهش

چون تحقیقی درباره موضوع مطالعه‌شده به‌طور خاص انجام نشده است، برای جمع‌آوری تحقیقات پیشین از تحقیقات قبلی که به نوعی با موضوع پیش‌رو ارتباط دارد، استفاده شده است. وربا و همکاران (۱۹۹۵) در «صدا و برابری» استدلال می‌کنند که بازیگران درون یک شبکه اجتماعی بیش از افراد منزوی و منفعت طلب در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت می‌کنند. آنها معتقدند پیوندهای بین‌فردی، دوستانه و خانوادگی تقاضا برای مشارکت سیاسی در افراد را افزایش می‌دهد. نویسندگان این کتاب معتقدند میزان مشارکت شبکه‌های اجتماعی در فعالیت‌های اجتماعی ۶۷ درصد، فعالیت‌های اعتراضی ۶۸ درصد و کارهای تبلیغاتی ۵۶ درصد بوده است. علاوه بر این آنها استدلال می‌کنند؛ هنگامی که از درون شبکه‌های اجتماعی گروه‌های جدیدی به وجود می‌آیند، این گروه‌های جدید بیش از دیگران در فعالیت‌های سیاسی درگیر می‌شوند (وربا، ۱۹۹۵).

لوین (۲۰۰۵) استدلال می‌کند که شبکه‌های اجتماعی بین‌فردی، خواه قوی، خواه ضعیف، تأثیر مستقیمی بر انتخاب کاندیداها، پیوند گروه‌ها، عقاید افراد در مورد مسائل مهم کشوری و

کنترل جهت‌گیری‌های سیاسی افراد دارند. کتدر برکوویتز (۲۰۰۵) نیز استدلال می‌کند مجموعه ای از متغیرهای کنترل از قبیل قومیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، انجمن‌های غیرسیاسی، نگرش‌های روان‌شناختی و شبکه پیوندهای دوستی وجود دارند که بر روی فعالیت‌های سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. گست و اروسپا (۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که شبکه‌های دوستی، به ویژه شبکه‌هایی که گروه‌های محلی را با گروه‌های فرامحلی پیوند می‌دهند، منابع اطلاعات سیاسی را به‌منظور مشارکت افراد در اختیار آنها قرار می‌دهند. آنها همچنین استدلال می‌کنند پیوندهای دوستی احتمالاً فعالیت سیاسی، به ویژه فعالیت‌هایی را که نیازمند همکاری با دیگران است، تسهیل می‌کنند.

لک و هوکفلد (۱۹۹۸) معتقدند سرمایه اجتماعی تولید شده در درون شبکه‌های اجتماعی احتمال مشارکت فرد در حوزه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. آنها همچنین اعلام می‌کنند سرمایه اجتماعی مرتبط با حوزه‌های سیاسی محصول سه امر است: ۱. نخبگان درون شبکه‌های اجتماعی؛ ۲. میزان تعاملات درون شبکه‌های اجتماعی؛ ۳. اندازه و وسعت شبکه‌های اجتماعی. نوک (۱۹۹۰) نشان می‌دهد هرچه میزان گفتگوی افراد در مورد مسائل سیاسی با دوستان خود بیشتر باشد، علاقه و مشارکت آنها در انتخابات ملی افزایش می‌یابد. سرانجام اسمیت (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که روابط گسترده با دیگران، در حوزه‌های مختلف، مهم‌ترین متغیر پیش بین مشارکت اجتماعی - سیاسی است.

در ایران نیز پژوهش‌های اندکی در این باب صورت گرفته است. برای مثال پژوهش کرمانی (۱۳۹۱) رابطه بین سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی را بررسی می‌کند. ذکائی (۱۳۸۵) رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت باعث شکل‌گیری و تقویت هویت مدرن بین کاربران ایرانی، خصوصاً کاربران جوان می‌شود. در پژوهشی دیگر ضیایی‌پرور و عقیلی در پاسخ به پرسش بنیادین پژوهش مبنی بر میزان نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی میان کاربران ایرانی و تأثیر آنها بر تحولات سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه انتخابات سال ۱۳۸۸ و مسائل پس از آن اظهار می‌کنند: اغلب کاربران اینترنت در ایران عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده و در میان این شبکه‌ها، فیس‌بوک بیشترین ضریب نفوذ را داشته و همین شبکه بیشترین تأثیر را در پوشش اخبار انتخابات ۱۳۸۸ و رخدادهای پس از آن در ایران داشته است. در باب

قانون‌گریزی در ایران عوامل مؤثر بر آن و پیامدهای آن در جامعه ایرانی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ برای مثال بیگ‌جانی فهم و خوانش مردم از قانون و قانون‌گریزی را بررسی شده است. این در حالی است که پژوهشی با تأکید صرف دربارهٔ خوانش شهروندان از قانون‌گریزی توسط نخبگان و تأثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان موجود نیست یا دست کم پژوهشگر از آن بی‌اطلاع مانده است.

مبانی نظری

شرایط ساختاری، نقض مقررات و کنشگری: نظریه‌های مربوط به قانون‌گریزی را می‌توان به دو دسته ساختارگرایانه و عاملیت محور تقسیم کرد. به نظر ما در تبیین این پدیده همزمان بایستی از یک سو به دیدگاه‌هایی که نقض قانون را نتیجه ساختارهای اجتماعی می‌دانند توجه داشت و هم بر نظراتی که بر این عقیده‌اند، واقعیت‌های اجتماعی به‌طور مستقیم یا در نهایت از کنش فردی ناشی می‌شوند. باید برای پاسخ به اینکه چرا شهروندان و حتی دولت‌مردان مقررات و قوانین را نقض می‌کنند به دیدگاه‌هایی که آن‌را به مثابهٔ فرصت دست یافتن به منافع می‌دانند نیز نظر داشت. در ادامه به نمونه‌هایی از این رویکردها اشاره می‌شود.

از نظر مارکسیست‌ها ساختار جامعه منبع عمده نابرابری، برخوردهای تبعیض‌آمیز است (وایت و فیونا هینز، ۱۳۹۰: ۲۱۱)، این ویژگی جامعه سرمایه‌داری است که جرم را ایجاد و موجب تداوم آن می‌شود. در حقیقت این سلطه طبقه حاکم است که هم رفتار انحرافی را تعریف و هم شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن جرم توسط طبقات پایین انجام می‌گیرد.

دارندورف بر ساختارهای اجتماعی گسترده‌تر تأکید دارد. این ایده در نظریه او جنبه اساسی دارد که سمت‌های گوناگون اجتماعی از مقادیر متفاوتی از اقتدار برخوردارند. اقتدار نه در افراد، بلکه در سمت‌ها نهفته است. دارندورف نه تنها به ساختار این سمت‌ها بلکه به کشمکش میان آنها توجه دارد: «خاستگاه ساختاری یک چنین کشمکش‌هایی را باید در تنظیم نقش‌های اجتماعی مجهر به چشم داشت‌های تسلط یا تابعیت، جست‌وجو کرد» (دارندورف، ۱۹۵۹: ۱۶۵).

به نظر دارندورف، نخستین وظیفه تحلیل کشمکش، تعیین نقش‌های گوناگون اقتدار در داخل جامعه است. در تحلیل او، اقتدار وابسته به سمت‌های اجتماعی، عنصر اساسی به شمار می‌آید. اقتدار همواره مستلزم فرماندهی و فرمانبری است. از آنهایی که سمت‌های با اقتدار دارند، انتظار می‌رود که زیر دستانشان را تحت نظارت داشته باشند؛ یعنی، آنها به دلیل چشم‌داشت‌های

اطرافیان و نه به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی‌شان، بر دیگران چیرگی دارند. این چشم‌داشت‌ها نیز مانند اقتدار، نه به آدم‌ها بلکه به سمت‌ها تعلق دارند. تا آنجا که به دارندورف ارتباط دارد، اقتدار یک ساختار همیشگی ندارد. این امر از این واقعیت بر می‌آید که اقتدار در نه در افراد بلکه در سمت‌ها جای دارد. بدینسان که شخص با اقتدار در یک محیط، لزوماً همان سمت با اقتدار را در محیط دیگر ندارد. در اینجا باید بپرسیم در بحث شبکه‌های اجتماعی مجازی میان مفاهیم مورد نظر دارندورف مانند «اقتدار» و «سمت اجتماعی» یا نقش‌های اجتماعی از یک سو، و مفهوم «حوزه عمومی» از منظر هابرماس چه نوع روابطی می‌توان برقرار کرد؟

دارندورف بر این باور است که هر نوع هم‌گروهی از طریق اعمال زور و اقتدار قشر بالادست بر گروه یا قشر زیردست تحقق می‌پذیرد، این در حالی است که هابرماس می‌کوشد حوزه عمومی را به گونه‌ای مفهوم‌پردازی کند که بر خلاف روابط عمودی و سلسله‌مراتبی دارندورف، دارای روابط افقی میان شهروندان باشد. به عبارت دیگر، با رجوع به نظرات دارندورف برای تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی به این نتیجه می‌رسیم که این شبکه‌ها تفاوت بنیادی با سایر شبکه‌های اجتماعی ندارند و تابع همان اصول و قواعدی در روابط اجتماعی هستند که دارندورف در تحلیل جامعه‌شناختی خود از آنها سخن گفته است. در تحلیل دارندورف، این فرض نیز نهفته است که قشرها و گروه‌های پایین دست به لحاظ ذهنی و فکری و با توجه به منافع شخصی و اجتماعی‌شان نیست که قانون را رعایت می‌کنند، بلکه به دلیل سلسله‌مراتب اجتماعی و اعمال اقتدار از سوی قشرها و گروه‌های بالادست است که از قانون تبعیت می‌نمایند. بر این اساس، می‌توان گفت که احتمال دارد قانون‌گریزی یا نقض قانون در مواردی که هزینه‌های سنگینی به همراه نداشته باشد به هنجاری پذیرفتنی برای قشرها و گروه‌های پایین دست بدل شود.

نظریه پیوند افتراقی ساترلند^۱ بیان می‌دارد، افراد احتمالاً زمانی منحرف می‌شوند که بیشتر با افرادی ارتباط داشته باشند که عقاید انحرافی دارند تا افرادی که نظریات ضدانحرافی را دارا می‌باشند. گلاسر در بسط این تئوری چنین می‌گوید که عامل تعیین‌کننده برای تبدیل پیوند افتراقی به کارهای غیرقانونی هویت افتراقی است. درحالی‌که برگس و آکرز^۲ تقویت‌شدن افتراقی را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در نظر گرفته‌اند (تیو^۳، ۱۹۹۸: ۵۲).

1. Edwin Sutherland
 . Robert Burgess & Ronald Akers
 . Thio

طبق نظریه کنترل اجتماعی، آنچه که باعث تبعیت از قانون می‌شود کنترل است و بدین صورت نبودن کنترل باعث انحراف می‌گردد (ابی^۱، ۱۹۸۹). تراوس هیرشی^۲ این دلایل تبعیت از قانون را پیوند با اجتماع یا کنترل بر نفس می‌خواند.

تعدادی از جامعه‌شناسان از جمله فولر^۳ و والر^۴ با توجه کردن به ماهیت تکثرگرایانه^۵ چندگون^۶ و تضادآمیز^۷ جامعه مدرن به تبیین نقض قانون و مقررات پرداخته‌اند. در یک جامعه سنتی ساده، مردم در ارزش‌های فرهنگی یکسان سهیم بودند، و بنابراین، روابط و مناسبات هماهنگی میان آنان وجود داشت. اما در جوامع مدرن وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی این چنینی، وجود ندارد. در عوض در این نوع جوامع، مقدار متنابهی تضاد وجود دارد که خود در بی‌نظمی و نقض مقررات مؤثر است.

یکی از نظریه‌هایی که در خصوص حضور کنشگران در فضای مجازی علی‌رغم محدودیت‌های رسمی قابل استفاده است، نظریه حوزه عمومی هابرماس می‌باشد. وی حوزه عمومی^۸ را چنین توصیف می‌کند: «مقصود ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز عرصه یا قلمروی از حیات اجتماعی ماست که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد» (هابرماس، ۱۳۸۴: ۲۸). مفهوم حوزه عمومی فضایی است که به لحاظ حقوقی، خصوصی است و در آن، افراد فارغ از مقام رسمی خود، با استفاده از بحث‌ها و انتقادات منطقی دربارهٔ مسائل مورد علاقه همگان در صدد متقاعد کردن یکدیگر هستند (کوهن، ۱۳۸۳).

مفهوم حوزه عمومی از نظر هابرماس (هولاب، ۱۳۷۸) و دیگران الزاماتی را به همراه دارد که عبارت‌اند از: دسترسی باز، مشارکت داوطلبانه عمومی از طریق مجالس شهروندی در قلمرو مشارکت‌جویی‌های سیاسی، آزادی در بیان افکار و بحث درباره حکومت، و انتقاد از شیوه سازماندهی قدرت حکومت (هولاب، ۱۳۷۸). هابرماس بر این نظر است که حوزه عمومی فضایی است که در آن قدرت و اقتدار نقش‌آفرینی نمی‌کند و به همین دلیل حوزه عمومی می‌تواند،

1. Ebbe
2. Travis Hirschi
3. Fuller
4. Waller
5. Pluralistic
6. Heterogeneous
7. Conflictive
8. Public sphere

عرصه افکار عمومی به خود افکار عمومی شکل ببخشد. از این منظر می‌توان گفت حضورکنشگران در فضای مجازی علی‌رغم منع رسمی، توسعه حوزه عمومی و استفاده از آن برای کنشگری فارغ از قدرت رسمی است.

این در حالی است که هابرماس در نظریه‌اش چنین فرض می‌کند که حوزه عمومی اگرچه تحت کنترل و هدایت قدرت و اقتدار مسلط نیست اما در نهایت حوزه عمومی کارکردهایی دارد که سبب می‌شوند شهروندان با پذیرش قانون و نظم‌پذیری اجتماعی خواسته‌های درونی و واقعی خود را در سطح افکار عمومی بیان کنند. به عبارتی دیگر، حوزه عمومی، به جای آنکه سبب افزایش میزان قانون‌گریزی یا نقض قانون در جامعه شود، میزان آن‌را کاهش می‌دهد. اما اگر از منظر دارندورف به شبکه‌های اجتماعی نظر بیندازیم به این معنا خواهد بود که این شبکه‌ها خود فضایی برای نمایش کشمکش و روابط اقتدارآمیز میان قشرها و گروه‌های بالا دست با قشرها و گروه‌های پایین دست هستند.

عاملیت و انتخاب عقلانی: از دیگر نظریاتی که می‌تواند در پیشبرد تحقیق ما را یاری کند، دیدگاه انتخاب عقلانی است. از دیدگاه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند، زمانی دست به قانون‌گریزی می‌زنند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت بدست می‌آید، بیشتر از آستانه اخلاقی باشد (لدرمن و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۳). بنابراین زمانی که سرمایه اجتماعی در یک جامعه زیاد باشد، افراد کمتر دست به قانون‌گریزی می‌زنند؛ زیرا با انجام این کار شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و از طرف اطرافیان طرد می‌شوند. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت که در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، افراد در اغلب موارد مرتکب قانون‌گریزی نمی‌شوند؛ زیرا این کار هزینه زیادی برای آن‌ها خواهد داشت و در نتیجه با توجه به سود کم این انتخاب، از قانون‌گریزی پرهیز می‌کنند (لیتل، ۱۳۸۱: ۱۳).

بنابراین با توجه به تولید سرمایه اجتماعی و مزایای ارتباط با مردم به ویژه جوانان از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، به نظر می‌رسد نقض قانون توسط نخبگان در اینجا انتخابی عقلانی است که سود خالص مورد انتظار آن بیش از آستانه اخلاقی است و مشارکت بیشتر افراد جامعه و همراهی آنان با سیاست‌ها را به همراه خواهد داشت.

این الگو را می‌توان با تأکید بر جایگاه شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی توسعه داد. پاتنام^۱ سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه به‌منظور ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند که مؤلفه اول شبکه‌ها هستند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند به‌منظور منافع متقابل همکاری کنند. آنچه پاتنام می‌گوید به این معناست که هر چه شبکه‌های اجتماعی و میزان تراکم این شبکه‌ها افزایش یابد، سبب پدید آمدن انسجام اجتماعی میان شهروندان و گسترش منافع آن‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، پاتنام بر این باور است که خود شبکه‌های اجتماعی تولیدکننده سرمایه اجتماعی برای شهروندانی هستند که در آنها فعالیت می‌کنند. افزون بر این، از دیدگاه پاتنام، شبکه‌های اجتماعی هم میزان مشارکت و همکاری اجتماعی را افزایش می‌دهند و هم این امکان را پدید می‌آورند که شهروندان منافع خود را در چارچوب روابطشان با دیگر شهروندان تعریف کنند.

مقاومت و قانون‌گریزی: در روایت غالب از علوم اجتماعی مدرن در ایران، سیاست به معنای قدرت متمرکز و استیلا محور هژمونی یافته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت قدرت به این معنی به دال مرکزی گفتمان علوم اجتماعی در ایران تبدیل شده است. یکی از نقاط کور تحلیل‌های سیاسی در ایران، شناسایی کنش‌های مقاومتی گروه‌های گوناگون در جامعه است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۳). یکی از راه‌های در نظر گرفتن مقاومت، تحلیل قدرت در سطح خرد یا لحاظ کردن آن به شکلی بارز در سطح زندگی روزمره است. مطابق با تعریف هیندس^۲ محدودیت‌های اجتماعی که بر قدرت تحمیل می‌شوند را می‌توان تحت عنوان مقاومت نامید (باربالت، ۱۹۸۵، به نقل از طالبی ۱۳۹۳).

دو نوع مقاومت وجود دارد: مقاومت اصطکاکی^۳ و مقاومت قصدمندانه^۴. تفاوت میان این دو ممکن است این را تداعی کند که مقاومت همیشه با مبارزه و ستیز همراه است، اما در واقع اینگونه نیست؛ تنها شاخصه مشترک میان انواع مقاومت این است که مقاومت، قدرت را محدود می‌کند (باربالت، ۱۹۸۵، به نقل از طالبی ۱۳۹۳). شاید بتوان در سطح مواجهه شهروندان و نخبگان سیاسی با قانون فیلترینگ مقاومت اصطکاکی را مشاهده کرد چرا که «هرجا قدرت

1. Robert D. Putnam

2. Hindess

3. Frictional resistance

4. Intentional resistance

هست، مقاومت هم هست» و جامعه‌ای بدون روابط قدرت و بنابراین بدون صور مقاومت از نظر فوکو تصور ناپذیر است (اسمارت، ۱۳۸۵: ۱۷۴، به نقل از فوکو).

«خوانش» شهروندان از نقض مقررات توسط نخبگان: منظور ما از نخبگان سیاسی در اینجا آن دسته از دولتمردانی را شامل می‌شود که در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی سمت‌ها و موقعیتهایی با منابع و اقتدار زیاد را در اختیار داشته یا دارند. این افراد بر اساس جایگاهی که دارند در تصمیم‌گیری برای سرنوشت کشور مشارکت و در تعیین آن موثر هستند. منظور ما از خوانش در این مقاله نیز عبارت از کنش‌های ذهنی و مفهومی است که از طریق آنها شهروندان به کنش‌ها، رفتارها و روابط اجتماعی معنا می‌بخشند یا معنای آنها را در می‌یابند. به عبارت دیگر، خوانش کنشی تفهیمی است که از طریق تحلیل و واکاوی آن می‌توان از چگونگی پدید آمدن معناها در ذهن شهروندان و نحوه‌ی دریافت معانی کنش‌های اجتماعی از سوی آنها سخن گفت. پذیرش و رعایت قانون یا قانون‌گریزی و نقض آن نیز، به تفسیری باز می‌گردد که شهروندان از کنش‌ها، ساختارها و روابط اجتماعی دارند. در رویکرد این پژوهش نقض آن فرایندی است آگاهانه که با انگیزه و هدفی خاص توسط فرد یا افرادی به عنوان یک رویه صورت می‌گیرد؛ از طرفی ممکن است جهت منافع کشور یا منافع نظام سیاسی یا منافع یک ایدئولوژی، فرد، سازمان یا وزارت خانه‌ای از یک قانون تخطی نماید.

روش پژوهش

توجه به هدف اصلی پژوهش حاضر مبنی بر درک و دریافت خوانش شهروندان از نقض قانون توسط نخبگان سیاسی، موجب انتخاب نظریه‌ی مبنایی^۱، از میان طرح‌های روشی برگرفته از تحقیق کیفی، شده است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری^۲ و معیارهایی مانند سن، جنس و گرایش‌های سیاسی از بین گروه‌های سنی مختلف انتخاب شده اند. داده‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های عمیق در بازه زمانی یک ماهه در شهریورماه ۱۳۹۳، از بازه سنی بین ۱۹ تا ۶۷ سال بدست آمده است. داده‌های بدست آمده از تحلیل کامنت‌های (نظرات) کاربران در صفحه آقای ظریف در فیس‌بوک درباره پست (گزارش) های مربوط به مذاکرات هسته‌ای ایشان،

1. Perception

2. Grounded theory

3. Theoretical sampling

متعلق به گروه‌های سنی متفاوت است. نگارندگان پس از مصاحبه با ۲۵ نفر به این دلیل که ادامه مصاحبه‌ها منجر به دستاورد جدیدی نشد و داده‌های جدیدی بدست نیامد (اشباع نظری) متوقف شد. مصاحبه‌ها از دو طریق مصاحبه تلفنی و حضوری با شهروندان در شهرهای تهران، اصفهان و رشت با استفاده از پرسش‌نامه راهنما صورت گرفت. هم‌چنین، از نظرات (کامنت‌ها) اعضا فیس‌بوک صفحه آقای دکتر ظریف وزیر امور خارجه دولت یازدهم به عنوان اسناد دست دوم استفاده گردید. بدین نحو که نظرات مرتبط که دارای ایده بودند تفکیک و براساس الگوی نظریه‌مبنایی مطالعه و ایده و مقوله‌های اصلی آنها تجزیه و تحلیل شدند.

در این پژوهش برای تحلیل اطلاعات از کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ استفاده شده است. در فرایند کدگذاری باز، مفاهیم و مقولات موجود در مصاحبه‌ها شناسایی شدند. از طریق کدگذاری محوری مقولات اصلی پژوهش بدست آمد که شامل پدیده (مقاومت در برابر قانون فیلترینگ)، زمینه و شرایط مداخله‌گر (مانند گرایش‌های سیاسی، عمومیت داشتن نقض قانون فیلترینگ، قانون مداری)، شرایط علی (صوری و سلیقه‌ای بودن برخی قوانین، نقض قانون توسط قانون) و راهبردهای کنش/کنش متقابل (مانند حمایت، تشویق، اعلام رضایت‌مندی، بی‌تفاوتی) است که منجر به قانون‌گریزی و درخواست اصلاح قانون می‌شود.

یافته‌ها

پدیده/مقوله محوری

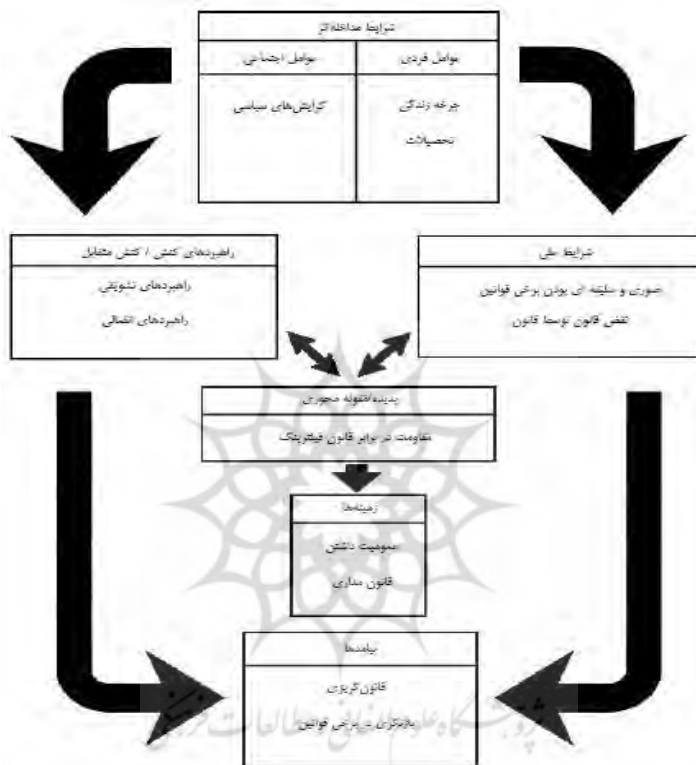
مقاومت در برابر قوانینی که از نظر شهروندان با گرایش‌های سیاسی مختلف نقض قانون به شمار می‌آیند هسته اصلی پژوهش پیش‌رو است. همان‌گونه که در متن صحبت‌ها آمده و منطق دفاع پاسخ‌گویان نشان می‌دهد افراد مورد بررسی در این زمینه سیاست مقاومت و توجیه را برگزیده‌اند. آنها انتظار دارند قوانین برای دستیابی و بهره‌مندی آنها از امکانات و اطلاعات جدید شبکه‌های اجتماعی باشد. در نتیجه کنش‌هایی که مقررات محدود کننده (از نظر آنها سیاسی است) را نقض نمایند تأیید و تشویق می‌شود. با استفاده از منطق عملی برخی نخبگان نوعی

1. Open coding

2. Axial coding

3. Selective coding

سیاست مقاومت و توجیه را دنبال می‌کنند. مدل پارادایمی حاصل از تحقیق در شکل زیر آمده است.



نمودار ۱. مدل نهایی خوانش شهروندان، آثار و راهبردهای کلی

زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر

گسترش و عمومیت داشتن استفاده از شبکه‌های اجتماعی: عمومیت داشتن استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با وجود ممنوع بودن برخی از آنها، به کمک انواع و اقسام فیلترشکن‌های موجود در بازار سبب شده است تا این پدیده همچون دیگر پدیده‌ها از جمله ماهواره که چشم افراد را به دنیای اطلاعات باز کرده و دریچه‌های تازه‌ای به سویشان می‌گشاید

به معضلی برای برخی دولت‌ها تبدیل شود. برخی معتقدند عمومیت و مقبولیت این شبکه‌ها نظر دولتمردان را به خود جلب کرده است تا بتوانند از سرمایه عظیم اجتماعی آن استفاده کرده و قشر اغلب جوان و تحصیلکرده را با خود همراه سازند.

«علی» می‌گوید: «چون مسئولان می‌دونن که مردم تعداد زیادیشون طرفدار رفع فیلتر از این شبکه‌ها هستن خودشون میان از این شبکه‌ها استفاده می‌کنن تا خودشون رو همراه با اون قشر نشون بدن.»

«مانی» در این باره می‌گوید: «اول دولتمردان استفاده نکردن که بعد مردم برن، مردم آن قدر استفاده کردن که دولتمردان هم کشیده شدن به اون سمت.»

وحید می‌گوید: «استفاده ما بود که به اونا این جسارت رو داد که بیان و استفاده کنن.»

قانون‌مداری و حقوق شهروندی: به نظر می‌رسد این ذهنیت در جامعه مورد تحقیق وجود دارد که قانون را باید رعایت کرد تا منافع حاصل از مفهوم شهروندی استمرار و پایداری داشته باشد. اگر به لحاظ جامعه‌شناختی و حقوقی به موضوع این پژوهش نگاه کنیم بی‌گمان این نکته آشکار خواهد شد که حتی اگر در جایی برخی از نخبگان سیاسی قانون را نقض کنند شهروندان خود را مجاز نمی‌بینند که دست به نقض قانون بزنند؛ زیرا استمرار منافع شهروندی منوط به رعایت قانون است. از منظر جامعه‌شناختی، می‌توان گفت که خود مفهوم «شهروند» با مفهوم «قانون» پیوندی بنیادی و عمیق دارد. به عبارت دیگر، به تبع مفهوم قانون است که می‌توان از مفهوم شهروند سخن گفت. یافته‌های پژوهش حاضر مؤید این واقعیت است که به نظر مصاحبه‌شوندگان همگی افراد جامعه در برابر قانون یکسان و ملزم به رعایت قانون‌اند.

برای مثال در این رابطه «مولود» ۲۸ ساله رعایت قانون را در هر شرایطی لازم می‌داند:

«به نظر من همه باید در مقابل قانون مساوی باشند... حتی عدم رعایت توسط مسئولین مجوزی برای عدم رعایت قانون نمی‌شود... ولی جسارت مردم را برای زیرپا گذاشتن آن زیاد می‌کند.»

«شهربانو» ۶۱ ساله نیز نظری مشابه دارد: «... قانون رو همه باید اجرا کنند، چه بالادست چه زیردست.»

بنابراین می‌توان گفت شهروندان در پذیرش و رعایت قوانینی که با نیازها و شرایط روز جامعه همخوانی داشته باشد تردیدی ندارند و بر همین اساس است که از رعایت برخی قوانین سرپیچی می‌کنند.

شرایط علی

نقض قانون توسط قانون: یکی از عوامل عدم استقبال مردم از اجرای قوانین موضوعه، مطابقت نداشتن آنها با اخلاقیات و واقعیت حاکم بر جامعه است. اگر قوانین موضوعه با موازین اخلاقی و واقعیات جامعه مطابقت و موافقت نداشته باشد، مردم به روش‌های مختلف سعی می‌کنند از زیر بار اجرای چنین مقرراتی شانه خالی کنند. میان احساس‌گریزی از یک سو و هرج و مرج در روند قانون‌گذاری از سوی دیگر، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. در جامعه‌ای که قانون‌گذاری از روند صحیح برخوردار نباشد یا قانون فاقد محتوای عقلانی باشد، می‌توان گفت در آن جامعه قانون وجود ندارد و در این صورت، انتظار داشتن از مردم برای گرایش به اجرای قانون، فاقد وجه منطقی است (عباسی، ۱۳۷۸).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نقض قانون ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران توسط نخبگان سیاسی و مردم در واقع نمایش مخالفت آنها با این قانون و به‌طور کلی با قوانینی است که حقوق اولیه انسان‌ها از جمله آزادی، حق آزادی بیان، آزادی اطلاعات را نقض می‌نماید. به عبارت دیگر، از دیدگاه این افراد این‌گونه قوانین خود نقض قانون به شمار می‌آیند، بنابراین از نادیده گرفتن آنها توسط نخبگان سیاسی حمایت می‌کنند.

«مانی» سی و سه ساله در این باره می‌گوید: «این اصلاً قانون نیست. اصلاً ممنوع بودن فیس‌بوک مخالف قانون اساسیه، اصل آزادی رو نقض می‌کند، چون مخالف قانون نیست پس ایرادی نداره عضویت اونها، فرقی نمی‌کنه مردم یا دولتمردان، عضویت‌شون دفاع از قانونه نه نقض قانون... در کل به نظر من فیلتر شدن نقض قانونه.»

«وحید» سی و دو ساله می‌گوید: «اگه قانون باشه شکستن قانون جرمه، فرقی نمی‌کنه برای همه. ولی تو مملکت ما قانونا یه جور مانع.»

«ساتیار» ۱۹ ساله نیز فیلترینگ را عملی قانونی ندانسته و اظهار می‌کند: «در این موارد ما کاری به قانون نداریم، در مورد شبکه‌های اجتماعی مجازی چون کار غیر مجازیه اصلاً، برای همین ما هم از فیلتر شکن استفاده می‌کنیم.»

صوری و سلیقه‌ای بودن برخی قوانین: صوری و سلیقه‌ای بودن برخی از قوانین نیز سبب شده است تا با اجرای آنها در جامعه مخالفت نشان داده شود. این امر چه از طریق قانون‌گریزی مردم و چه مسوولان قابل مشاهده می‌باشد.

«علی» سی و سه ساله می‌گوید: «به نظر من با توجه به اینکه فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران کاملاً سلیقه‌ای و خودش اصلاً نمونه نقض آزادی مردم و باعث محدودیت دسترسی مردم به اطلاعات آزاد همیشه خودبه‌خود فیلتر کردن خودش زیرسؤاله که آیا اصلاً عمل مقبول و مشروعیه؟ آیا اکثریت مردم چنین چیزی رو قبول دارن... به نظر من نه تنها کار مسوولان عضو نباید مورد انتقاد قرار بگیره بلکه باید ببینیم که یک اقلیت به چه اجازه‌ای برای

اکثریت تصمیم می‌گیرن و دسترسی شون رو محدود میکنن، با چه حقی.» همان‌گونه که در این متن ملاحظه می‌شود، افراد این مقررات را بر اساس نابرابری‌های موقعیتی ساختاری که دارندورف استدلال می‌کرد، فهم و تفسیر و با آن مقابله می‌کنند. «صفورا» ۳۴ ساله نیز به عدم مطابقت داشتن فیلترینگ با قانون اساسی اشاره کرده و می‌گوید:

«تو قانون اساسی در مورد فیلترینگ چیزی قید نشده، گفتم این نظرات دولتمردانه، این قوانین توسط مجریان مختلف، با سلیقه، افکار، رفتارها، تحصیلات و موارد مشابه دیگه اجرا میشه که نوع نگرش اونها رو هم نشون میده.»

بررسی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نقض قانون توسط دولتمردان مجاز شمرده نمی‌شود، مگر قانون یا قوانینی که صوری و بر اساس سلیقه گروهی از افراد و بدون در نظر گرفتن نظر اکثریت مردم وضع شده باشد.

بنابراین، با توجه به داده‌های بدست آمده، می‌توان گفت خوانش اعضای فیس‌بوک از نقض قانون توسط نخبگان سیاسی خوانشی انتقادی است؛ اما جهت پیکان این انتقاد به سمت کارگزاران قانون است تا قانون‌گریزان.

راهبردها

شهروندان (کنشگران) در مقابل نقض قانون ممنوعیت استفاده از برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط نخبگان سیاسی، راهبردهایی را اتخاذ می‌کنند و بر حسب میزان اهمیتی

که به این امر می‌دهند کنش‌هایی را در پیش می‌گیرند. می‌توان راهبردهای رویارویی با پدیده نقض قانون توسط نخبگان سیاسی را به دو دسته تقسیم کرد: راهبردهای تشویقی و راهبردهای دفاعی.

۱. راهبردهای تشویقی

بر اساس یافته‌های این پژوهش تشویق، حمایت در برابر نقض قانون توسط نخبگان سیاسی از جمله راهبردهایی است که شهروندان در مواجهه با نقض قانون توسط نخبگان سیاسی بکار می‌برند. به‌منظور تشویق، حمایت و رضایت از حضور نخبگان سیاسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی راهبردی است که افراد برای از میان برداشتن فیلترینگ ضروری می‌دانند. بنابراین می‌توان بیان نمود که اکثر راهبردهایی که در واکنش به نقض قانون توسط نخبگان سیاسی از طرف شهروندان اتخاذ شده برای حفظ منافع عمل می‌کند.

رضایتمندی: خوانش افراد شرکت کننده در این مقاله از نقض قانون توسط نخبگان سیاسی، نه تنها خوانشی انتقادی نسبت به حضور دولتمردان دولت یازدهم در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیست بلکه در عین حال در مواردی همچون نقض قانون ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، که مقبولیت عام یافته‌اند و نقض قانون توسط آن‌ها موجب همراهی شان با افرادی می‌گردد که خود نیز در این شبکه‌ها عضویت دارند، رضایتمندانه و حمایت کننده است.

«لیلا» حمایت و رضایت خود را از این موضوع را این‌گونه بیان نموده است: «در مورد فیس‌بوک باید بگم اتفاقاً این اتفاق خیلی خوبیه؛ اکثر ماهایی که عضو فیس‌بوکیم از اینکه آقای ظریف اومدن و با ما همراه شدن خوشحالیم و باید از شون حمایت کنیم.»

«زینب» با نگاهی کارکردگرایانه به این پدیده از استقبال جوانان از عضویت دولتمردان در این شبکه‌ها صحبت می‌کند:

«الان خیلی از دهه هفتادی‌ها کلی ذوق دارن که ظریف توی فضای مجازیه...»

اگر دولتمردان این رو تشخیص بدن می‌تونن یه کمک بزرگ در اجرای برنامه‌ها و اهداف مشخص باشه.

«ابراهیم» در این باره می‌گوید:

«خوشحالم، خوشحالم از اینکه حداقل می‌تونم خواسته‌های قلبیم رو که حس می‌کنم باعث پیشرفت مملکت منه با دولتمرد مملکت خودم در میون بگذارم.. اگر این قضیه رو شما به بیست

سال پیش بکشونی کسی نمی‌تونست با دولتمردی ارتباط داشته باشه، اما الان هر مشکلی رو میشه به گوش اون‌ها رسوند.»

«صفورا» حمایت و رضایت خود را از کاربرد این شبکه‌ها چنین بیان می‌کند:

«شما مطمئن باش اگه امام زمان هم ظهور کنن و اگر رسول الله هم در زمان الان ما بودن از این شبکه‌ها استفاده می‌کردن.»

کامنت‌های ثبت شده در صفحه فیس‌بوک وزیر امور خارجی از جمله اسنادی است که در این زمینه تجزیه و تحلیل شد. اکثر کاربران نیز حمایت خود را از آقای ظریف این‌گونه ابراز نموده‌اند:

«احمد»: «خدا قوت، ما با قدرت حمایتتون می‌کنیم.»

«پوریا»: «پیروز و سر بلند باشید بیشتر مردم پشتتن از هیچی ترس.»

«حمیدرضا»: «روح شهدا همراست برای سربلندی ایران.»

«رامین»: «ملت ایران با رأی‌هایی که داده‌اند پشتیبان شما هستند خسته نباشی دکتر.»

بکار بردن اصطلاحاتی مانند «دلاور»، «یه دونه‌ای دکتر»، «خدا قوت پهلوان»، «مرد» و ... توسط کاربران درباره وزیر امور خارجی در اغلب کامنت‌ها مهر تأییدی بر عملکرد ایشان و نشانه رضایتمندی تعداد زیادی از اعضای صفحه فیس‌بوک وی می‌باشد.

کاربران رضایت خود را از حضور دولتمردان در شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر ابراز حمایت از عملکرد آنها در جنبه‌های دیگری همچون بیان احساسات نشان داده‌اند. بر اساس یافته‌ها، تسلیم گزارش عملکرد توسط وزیر امور خارجه وقت سبب شده است تا کاربران شبکه اجتماعی مجازی فیس‌بوک احساس مهم بودن، احساس مورد احترام واقع شدن، احساس شهروندی داشتن و تعلق به جامعه و سهیم بودن در سرنوشت خود و کشور را ابراز نمایند.

«بهروز»، فردی بازنشسته است ضمن ابراز امیدواری اعتماد خود را این چنین نشان می‌دهد:

«اول خدا، بعدشم روحانی و ظریف سالار که شیفته‌اش هستم.»

«مریم» نیز چنین امید و اعتمادی را تأیید می‌کند:

«جناب دکتر امید مردم ایران به خصوص ما جوانان اول به خدا و بعد به جناب روحانی و

شماست.»

«صفورا» نیز ایجاد ارتباط میان مردم و دولتمردان را سبب افزایش اعتماد مردم به دولت دانسته و بیان می‌کند:

«به جمله‌ای رو از امام خمینی (ره) یادم هست به این مضمون، عملکرد خود را صادقانه به مردم ارائه بدهید، اگر مردم بدانند که دولتمردان چه کارهایی انجام میدن و با برنامه‌ها و رفتارهای این افراد آشنا بشن، براشون قابل قبول میشه...».

. راهبردهای دفاعی

انفعال: تعدادی از افراد با بکارگیری راهبردهای دفاعی و از طریق روش‌هایی مانند بی‌تفاوتی درصدد واکنش به مسئله ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک برمی‌آیند. برای مثال «یاس» راهبرد بی‌تفاوتی به نقض قانون توسط نخبگان سیاسی را به دلیل حفظ منافع شخصی برگزیده است؛ وی در اینستاگرام خود می‌نویسد: «پا توکفششون نکن، ناراحت میشن، یارانه تو قطع می‌کننا.»

خوانش انتقادی مخالفان: عضویت دولتمردان دولت یازدهم در شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با انتقادهای فراوانی از جانب مخالفان نیز همراه بوده است. عضویت وزیر امور خارجه وقت ایران سبب گردید تا تعدادی دیگر از مسئولین نیز عضویت خود را در فیس‌بوک علنی کرده و اگر عضو نبودند، به فیس‌بوک بپیوندند.

اسحاق جهانگیری معاون اول رییس‌جمهور، بیژن زنگنه وزیر نفت، معصومه ابتکار معاون رییس‌جمهور، شهین‌دخت مولاوردی معاون رییس‌جمهور، علی جنئی وزیر ارشاد، حتی برخی استانداران از جمله علی اوسط هاشمی استاندار سیستان و بلوچستان، از جمله مردان و زنان دولت هستند که در فیس‌بوک و برخی از آنها در توئیتر نیز فعالیت دارند.

فعالیت ظریف شناخته‌شده‌ترین وزیر کابینه دولت یازدهم که در فیس‌بوک عضویت دارد در ماه‌های اخیر کاهش یافته است. در حالی که گزارش‌های ایشان در ماه‌های آغاز به کار دولت و مذاکرات هسته‌ای به‌طور مستمر و با جزئیات همراه بود و بازتاب داخلی و خارجی گسترده‌ای داشت. ارتباط مستقیم با مردم از طریق رسانه مجازی انتقادها و فشارهای فراوانی را از جانب مخالفان در پی داشته است. به نظر می‌رسد کاهش فعالیت وزیر امور خارجه که به اعتقاد برخی نقش سخنگوی وزارت خارجه را نیز ایفا می‌نماید به دلایلی از قبیل انتقاد برخی نمایندگان

مجلس به عضویت آقای دکتر ظریف در فیس‌بوک و هم چنین طرح مطالبات سیاسی مخاطبین ظریف در صفحه فیس‌بوک در مواردی که نظام سیاسی حساسیت ویژه‌ای برای آن‌ها دارد، می‌باشد.

در این زمینه، نصرالله پژمان عضو فراکسیون اصول‌گرایان مجلس در گفت‌وگو با «قانون آنلاین» از عضویت ایشان و آقای رییس‌جمهور در این شبکه انتقاد کرده و آن‌را مصادف با تخطی از قانون بیان می‌کند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد کاربران و مخاطبان فیس‌بوکی وزیر امور خارجه انتقادهای وارد شده را از جانب مخالفان دولت جدید دانسته و دلایل این مخالفت را نیز کارشکنی علیه دولت، ترس از دست دادن قدرت به واسطه محبوبیت روزافزون دولت جدید می‌دانند. «زینب» دلایل خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«مخالفت با اون‌ها به این دلیل که می‌ترسن، درایت ندارن، می‌خوان حفظ وضع موجود کنن، رو به جلو نیستن.»

«علی» نیز دلیل انتقاد مخالفان را این‌گونه بیان می‌کند:

«به این دلیل که دقیقاً اون اقلیتی که فیلترینگ رو ایجاد کردن همون کسانی که انتقادات رو مطرح کردن، به شدت نگرانن که احاطه‌شون بر این مساله از دست بره و حتی این مقبولیت عام به رفع فیلتر رسمی منجر بشه.»

«صفورا» انتقادات را از جانب کسانی می‌داند که آگاهی لازم از این‌گونه شبکه‌های اجتماعی را ندارند:

«نمی‌دونم انتقادات از جانب چه کسانی بوده؛ حتماً آگاهی از مفید بودن این مسائل ندارن... ببینید الان دفتر مقام معظم رهبری در اکثر شبکه‌های اجتماعی مجازی به سه زبان عضو هستن و اخبار و گزارشات این نهاد و خود مقام معظم رهبری رو در لحظه به اطلاع می‌رسونن...»

همان‌طور که بیان شد فهم و خواست مخالفان دولتمردان دولت یازدهم انتقادی است و این دسته از اعضا که به ندرت نظرات‌شان در میان کامنت‌های فراوان تقدیر و تشکر به چشم می‌آید تلاش دارند تا مخالفت خود با دولت یازدهم را از طریق سرکوب عملکرد دولتمردان نشان دهند.

«مهرداد» تلاش می‌کند با خوش‌گذرانی جلوه دادن سفرهای وزیر امور خارجه و همراهان مخالفت خود را نشان دهد:

«سلام آقای ظریف خسته نباشی، هر چند وقت یکبار که دلت می‌گیره با هزینه دولت یه سفر خارجه میری ۵۰ نفر هم باهات میان. تو و امثال تو (مسوولین مملکت) نون رو به نرخ روز می‌خورین. خیالتون راحت با خنده می‌رید با خنده میاید چون غمی ندارید.»

«احمد» نیز می‌گوید: «خدا آدمایی که سر مردمشون رو با کلید و نمی‌دونم... کلاه می‌ذارن به درد بی درمون گرفتار کنه.»

«صدرا» نیز مخالفت خود را این‌گونه بیان می‌کند: «توافق با اقتدار نه با ذلت... سلام بر حسین یعنی سلام بر تفکری که آب بر او تحریم شد، اما تن به ذلت نداد. اگر غیر از این باشد شیعه نیستیم!!!».

بنابراین بررسی کامنت‌ها نشان می‌دهد خوانش انتقادی مخالفان بیش از آنکه متوجه حضور وزیر امور خارجی در شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده باشد متوجه عملکرد ایشان در این مقام و در رابطه با مذاکرات ۵+۱ است.

پیامدها

تقاضای بازنگری در قانون: پژوهش‌های بسیاری قانون‌گذاران را به اصلاح و تغییر قوانینی تشویق می‌کنند که با نیازها، خواست‌ها، شرایط و اقتضائات زمانی مطابق نیستند و خود دلیل قانون‌گریزی‌اند.

«فاطمه» سی ساله با نشان دادن تناقض آشکار در عضویت دولتمردان در شبکه‌های اجتماعی مجازی غیرمجاز خواستار بازنگری در چنین قوانینی است: «چه لزومی داره چیزی که خودشون به رسمیت نمی‌شناسن بیان و وارد بشن! ... باید عضویت‌شون مورد انتقاد قرار بگیره، چون این یه فرایند متناقضه... اگه این کار مفیده پس چرا جلوشو گرفتن؟... من مخالف حضورشون نیستم، اما کل این مساله باید مورد انتقاد قرار بگیره.»

«زینب» نیز در همین راستا می‌گوید: «ببین به نظر من توی ایران بیشتر قوانین باید به روز بشن از سهم ارث زنان گرفته تا امور دیگه، بعضی‌ها فک میکنن این کفره، مبانی خیلی از اصول ما خصوصاً اصول فقهی خوانش صحیحی از انسان و انسان امروزی ندارن، نیازهاشو نمیشناسن، بنابراین به غلط به شیوه انسان اعصار گذشته تعریفش می‌کنن، براش حد مشخص می‌کنن، نوع عبادت و پوشش و... قوانین مختلف می‌ذارن.»

«لیلا» نیز آشکارا تغییر و اصلاح قوانین را بیان می‌کند: «به نظر من قوانین باید تغییر کنن، حداقل اونایی که حقوق اولیه انسان‌ها مثل آزادی بیان رو نقض می‌کنن و دولتمردان هم مجازن اونا رو نقض کنن بنابراین ما هم مجازیم».

«ابراهیم» ۶۷ ساله نیز نقض این‌گونه قوانین را توسط دولتمردان راهی برای تغییر و اصلاح این قوانین دانسته، بیان می‌کند: «این قانون رو دور نمی‌زنه، قانونو نادیده نمیگیره، می‌خواد راهی برای قانونی شدن این کار پیدا کنه، به نظر من کار درستیه، پس فردا نتیجه مثبت خواهد گرفت...».

مقاومت و قانون‌گریزی: همان‌گونه که پیش از این گفته شد در روایت غالب از علوم اجتماعی مدرن در ایران، سیاست به معنای قدرت متمرکز و استیلا محور هژمونی یافته است. در حالی که نوعی سیاست ورزی در متن زندگی وجود دارد که یکی از نقاط کور تحلیل‌های سیاسی در ایران، شناسایی کنش‌های مقاومتی گروه‌های گوناگون در جامعه است و در ایران کمتر دیده و تحلیل شده است. یکی از راه‌های در نظر گرفتن مقاومت، تحلیل قدرت و مقاومت در سطح خرد یا لحاظ کردن آن به شکلی بارز در سطح زندگی روزمره است.

به نظر می‌رسد عضویت دولتمردان دولت یازدهم و بخش قابل توجهی از شهروندان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، که برابر با نقض قانون فیلترینگ است، راهبردی است که آنان برای ابراز مخالفت و همچنین مقاومت در برابر جریان فیلترینگ بکار برده‌اند و از این طریق تلاش می‌کنند تا بر این قانون تأثیر بگذارند. از طرفی با وجود عملکرد نهاد مقام معظم رهبری در شبکه‌های اجتماعی مجازی اغلب شهروندان با گرایش‌های سیاسی راست نیز موافقت خود را با عضویت و فعالیت در این‌گونه شبکه‌ها، در شرایط کنترل شده، ابراز می‌کنند.

«لیلا» می‌گوید: «دولت جدید با فیلتر بودن فیس‌بوک موافق نیست و این نشون میده تو این زمینه باید امیدوار باشیم. خب این نشونه مخالفت اون هم با این قانونه دیگه.»

«علی» با بررسی علل عضویت دولتمردان در شبکه اجتماعی فیس‌بوک بیان می‌کند: «می‌توننه نشون دهنده این باشه که مسئولان نمی‌خوان صراحتاً مخالفت خودشون رو با فیلتر شبکه‌ها اعلام بکنن چون براشون ممکنه تبعاتی داشته باشه اما با مشارکت تو این شبکه‌ها به‌طور تلویحی مخالفت خودشون رو اعلام می‌کنن و مردم رو تهییج می‌کنن که روی این موضع پافشاری بیشتری کنن.»

«مانی» با در نظر گرفتن منافع دولت از عضویت دولتمردان در این گونه شبکه‌ها بیان می‌کند: «به نظرم بیشتر کمک می‌کند تا افکار عمومی رو با دولت همراه کنه، از این لحاظ به نفع دولته... می‌تونه کمک کنه از لحاظ جهانی، شاید بتونه برای ایران از منظر بین‌المللی بهتر باشه... می‌خوام بگم شاید کمک کنه به وجهه ایران... به دلیل انزوای سیاسی ایران می‌گم.»

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس الگوی تحلیلی دارندورف می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی مجازی فضایی برای نمایش کشمکش و روابط اقتدارآمیز میان قشرها و گروه‌های بالا دست با قشرها و گروه‌های پایین دست هستند و به نظر می‌رسد تلاش حکومت‌ها و دولت‌ها برای دور نگاه داشتن افراد از آنها نه تنها کارساز نخواهد بود، بلکه ممکن است شکافی میان مردم با حکومت ایجاد کند. بر اساس آنچه در مبانی نظری آمده است در تحلیل دارندورف این فرض نهفته است که قشرها و گروه‌های پایین دست به دلیل سلسله مراتب اجتماعی و اعمال قدرت از سوی قشرها و گروه‌های بالادست از قانون تبعیت می‌نمایند. با این حال می‌توان گفت که احتمال دارد قانون‌گریزی یا نقض قانون در مواردی که هزینه‌های سنگینی به همراه نداشته باشد به هنجاری پذیرفتنی برای قشرها و گروه‌های پایین دست یا غیرحاکم بدل شود. از طرف دیگر با استفاده از نظریه هابرماس می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک در سطوحی از حیات اجتماعی به مثابه حوزه عمومی عمل می‌کنند. بنابراین در زمینه‌هایی بر خلاف روابط عمودی و سلسله‌مراتبی دارندورف، میان شهروندان و دولتمردان روابط افقی ایجاد می‌کنند.

بنابراین به نظر می‌رسد گشودن درهای ارتباطات و اطلاعات و همراه شدن دولتمردان با جریان پیش‌رونده آن رضایتمندی افراد جامعه را به دنبال خواهد داشت و سبب افزایش اعتماد و مشارکت افراد جامعه در سرنوشت کشور خواهد شد. با الهام از نظریه پاتنام می‌توان گفت، شبکه‌های اجتماعی ممکن است از یکسو مشارکت و همکاری اجتماعی را افزایش دهند و از سوی دیگر این امکان را پدید می‌آورند که شهروندان منافع خود را در چارچوب روابطشان با دیگر شهروندان تعریف و دنبال کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با وجود گرایش‌های سیاسی متفاوت میان مصاحبه‌شوندگان، اکثریت قابل توجه بر این باورند که استفاده صحیح و مناسب از قابلیت‌های این شبکه‌ها چه توسط مردم و چه توسط مسئولین منجر به شناخت هر چه بیشتر دو طرف از هم و

ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت سیاسی شهروندان خواهد شد. در چنین شرایطی این پرسش مهم مطرح است که چرا هنوز سیاست کارشناسی شده و مؤثری در مورد استفاده از شبکه‌های اجتماعی به چشم نمی‌خورد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی نیازمند پژوهش‌های دیگری است. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نقض قوانین توسط دولتمردان در صورتی که به منظور نقض آن دسته از قوانینی باشد که بخشی از حقوق مورد انتظار آنها را محدود می‌کند مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد، بلکه رضایت و حمایت مخالفان این دسته از قوانین را به همراه دارد. بنابراین لازم است تا قوانین به روز شده و بر اساس شرایط و مقتضیات زمان وضع گردند تا سرمایه‌های عظیم اجتماعی و فرهنگی هر چه بیشتر منابع خود را در اختیار دولت قرار داده و ارتباط ملت - دولت را بر پایه‌های رضایتمندی، اعتماد و مشارکت سیاسی بنا نهند. بنابراین نگارندگان این پژوهش بازنگری در برخی قوانین که دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات آزاد و فعالیت‌هایشان در شبکه‌های اجتماعی مجازی را محدود می‌کند پیشنهاد می‌نمایند. به نظر می‌رسد قانون‌گذاران باید تلاش کنند تا با توجه به نیازها و شرایط روز جامعه، مقررات و قوانین مناسب را در این زمینه تصویب نمایند.

منابع و مأخذ

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین «اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های منبایی رویه‌ها و شیوه‌ها». ترجمه بیوک محمدی (۱۳۹۰)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسمارت، بری «میشل فوکو»، ترجمه لایلا جوافشانی و حسن چاوشیان (۱۳۸۹)، تهران: نشر اختران.
- دارندورف، رالف (۱۹۵۹). طبقات اجتماعی و نزاع‌های طبقاتی در جامعه صنعتی.
- دانایی فرد، حسن؛ عادل آذر و علی صالحی (۱۳۸۹). «قانون‌گرایی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی»، نشر **علوم اجتماعی، دانش انتظامی**، شماره ۴۴.
- ذکایی، محمدسعید و فخره خطیبی (۱۳۸۵). «رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی»، فصلنامه **علوم اجتماعی**، شماره ۳۳، بهار ۸۵: ۱۱۱-۱۵۴.
- شهابی، محمود؛ قدسی بیات (۱۳۹۱). اهداف و انگیزه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال سیزدهم شماره ۲۰.
- کرمانی، حسین (۱۳۹۱). سنجش سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، هشتمین نشست پژوهشگران رسانه‌های اجتماعی ایران، تهران، فرهنگسرای رسانه.
- ضیایی‌پرور، حمید و سیدوحید عقیلی (۱۳۸۸). بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، فصلنامه **رسانه**، سال بیستم، شماره ۴، شماره پیاپی ۸۰.
- طالبی، ابوتراب و نیما شجاعی باغینی (۱۳۹۳). «قدرت، مقاومت و سینما»، فصلنامه **انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال دهم، شماره ۳۵.
- طالبی، ابوتراب و زهرا زوار موسوی (۱۳۹۱). «درک اجتماعی از زمان و عوامل شکل دهنده آن»، فصلنامه **جامعه‌شناسی تاریخی**، بهار و تابستان، شماره ۷.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۱). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران.
- لیندلف، تامس و برایان تیلور (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیوان، تهران: همشهری.
- هولاب، یورگن هابرماس (۱۳۷۸). نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، تهران.
- عباسی، اصغر (۱۳۷۸). تأملی بر عوامل قانون شکنی و راهکارهای مقابله با آن، اصلاح و تربیت، شماره ۷۱-۷۲، ص ۴۰-۴۳.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۹). نظم ستیزی و قانون‌گرایی، نشریه **امنیت**، شماره ۱۳۹۱۴، مرداد و شهریور، ص ۳۲-۳۴.
- علی بابایی، یحیی و علی‌اصغر فیروزجانیان (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی، فصلنامه **دانش انتظامی**، شماره ۴۵.
- بیگ‌جانی، زهرا «فهم‌کنشگر ایرانی از قانون، قانون‌گرایی»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بی، ازل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
- وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۹۰). جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، تهران.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، نشر افکار.

Pelling, Emma L., White, Katherine M. (2009). The Theory of Planned Behavior Applied to Young People's Use of Social Networking Web Sites. *Cyber Psychology & Behavior* 12(6) , 755-759.

Verba, S., Schlozman, K. L., Brady, H. E., & Brady, H. E. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics* (Vol. 4). Cambridge, MA: Harvard University Press.

Levine, J. (2005). Choosing Alone? The Social Network Basis of Modern Political Choice. *The social logic of politics: Personal networks as contexts for political behavior*, 132-151.

Kotler-Berkowitz, L. (2005). Friends and politics: Linking Diverse Friendship Networks to Political Participation. *The social logic of politics: Personal networks as contexts for political behavior*, 152-170.

Guest, A. M., & Oropesa, R. S. (1986). Informal Social ties and Political Activity in the Metropolis. *Urban Affairs Review*, 21(4), 550-574.

La Due Lake, R., & Huckfeldt, R. (1998). Social Capital, Social Networks, and Political Participation. *Political Psychology*, 19(3), 567-584.

Knoke, D. (1990). Networks of Political Action: Toward theory Construction. *Social forces*, 68(4), 1041-1063.

Smith, E. S. (1999). The Effects of Investments in the Social Capital of Youth on Political and Civic Behavior in Young Adulthood: A Longitudinal Analysis. *Political psychology*, 20(3), 553-580.